



درس فارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۸ آبان ۱۳۹۴

مصادف با: ۲۶ محرم ۱۴۳۷

جلسه: ۲۰

موضوع کلی: القول فیما يجب فيه الخمس - الرابع: الغوص

موضوع جزئی: مسئله هفتم - موضوع اول: استثناء مؤونه

سال ششم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مسئله هفتم

«إنما يجب الخمس فی الغوص و المعدن و الكنز بعد إخراج ما یغرمه علی الحفر و السبک و الغوص و الآلات و نحو ذلك، بل الأقوی اعتبار النصاب بعد الإخراج».

امام (ره) در این مسئله می‌فرماید: خمس در غوص و معدن و کنز بعد از اخراج (کسر) مخارجی که برای استخراج و استحصال شده، واجب می‌شود، ایشان این مطلب را هر چند در باب غوص ذکر کرده اند ولی مربوط به معدن و کنز هم می‌باشد، چون قبلاً در متن به این موضوع اشاره نشده بود لذا اینجا هر سه را در قالب یک مسئله بیان کرده‌اند و آن اینکه خمس بعد از اخراج مؤونه واجب است. منظور از این مؤونه، مؤونه سنه نیست بلکه منظور آن مخارجی است که برای بدست آوردن هر یک از این سه (چه کنز، چه غوص و چه معدن) انجام می‌دهد. این مخارج از آنچه که بدست می‌آورد استثناء می‌شود و اگر زائد بر این مخارج چیزی باقی ماند، خمس به آن متعلق می‌شود. بعد در ادامه هم فرموده‌اند اقوی این است که نصاب هم بعد از اخراج لحاظ می‌شود نه قبل از اخراج، پس به طور کلی امام (ره) در این مسئله متعرض دو مطلب شده‌اند:

۱. اصل وجوب خمس که بعد از اخراج مؤونه است.

۲. اعتبار نصاب که این هم بعد از اخراج مؤونه است.

موضوع اول اینکه آیا برای تعلق خمس، کسر و استثناء مخارج معتبر است یا نه، یعنی اگر کسی چیزی را از معدن و کنز و غوص بدست آورد به محض الحصول، خمس واجب می‌شود یا بعد از کم کردن هزینه‌هایی که برای استحصال کرده است واجب می‌شود؟ به عبارت دیگر آیا زمان تعلق خمس همان زمانی است که مرواید و صدف را بدست می‌آورد یا بعد از کسر هزینه‌ها و مخارجی که انجام داده، باید خمس آن را بپردازد؟

ما قبلاً این مسئله را مخصوصاً در مورد معدن به تفصیل بررسی کردیم که چرا خمس بعد از استثناء هزینه‌ها و مؤونه واجب می‌شود، اینجا فقط در باب غوص این مسئله را متعرض می‌شویم، هر چند ادله و وجوهی که برای استثناء ذکر شده مشترک است، بر این اساس ما اجمالاً مروری می‌کنیم بر ادله استثناء هزینه‌ها و اینکه خمس بعد از کسر و انکسار هزینه‌ها واجب می‌شود، و سپس به سراغ موضوع دوم می‌رویم که آن هم مورد اختلاف است، اینکه آیا نصاب را همان اول لحاظ کنیم یعنی همان اول که مرواید و صدف استخراج شد، اگر به اندازه یک دینار بود خمس آن واجب است یا بعد از آنکه هزینه‌ها کسر شد اگر ارزش آن به اندازه یک دینار بود خمس واجب می‌شود؟

این دو موضوع، به هم وابسته نیست یعنی ممکن است کسی در موضوع اول قائل به وجوب خمس بعد از کسر هزینه‌ها بشود اما در موضوع دوم نصاب را قبل از کسر هزینه‌ها معتبر بداند که در خلال بحث این مسئله معلوم خواهد شد.

موضوع اول: وجوب خمس بعد اخراج المؤمنة

اما موضوع اول همانطور که عرض کردیم در باب معدن این بحث به تفصیل بیان شد، ما اکنون آن را در ما نحن فیه به نحو اجمال تطبیق و مرور می‌کنیم.

مدعا این است که اگر کسی از دریا چیزی را استخراج کرد (حال طبق هر مبنایی که در باب غوص اختیار کنیم چه مبنای مورد نظر خودمان که مطلق "ما أخذ من الماء" موضوع خمس بود و چه کسانی که مجموع دو قید "غوص من البحر" را موضوع خمس دانسته‌اند)، به هر حال خمس زمانی واجب می‌شود که هزینه‌های استخراج کسر شود، چند دلیل بر این مدعا می‌توان اقامه کرد.

دلیل اول: آیه خمس

«وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ»، ما سابقاً هنگام بحث از آیه خمس به این نتیجه رسیدیم که عنوان «ما غنمتم» عام است و شامل کل ما استفدتم و ما غنمتم می‌شود، یعنی هر آنچه که انسان به عنوان فائده بدست بیاورد مشمول این آیه است، لذا گفتیم اختصاص به غنائم جنگی ندارد، بر خلاف اهل سنت و بعضی از فقهای شیعه که معتقدند مقصود از «ما غنمتم» خصوص غنائم جنگی است، اگر مطلق «ما استفدتم» بر طبق این آیه متعلق خمس قرار گرفت، قهراً زمانی این عنوان صدق می‌کند که هزینه‌ها و مؤونه‌های استخراج کسر شود، چون آنچه را که مستخرج هزینه می‌کند دیگر غنیمت و فائده بر آن صدق نمی‌کند. مثلاً فرض کنید کسی با وسایل و آلات و با یک میلیون تومان هزینه از عمق دریا مرواید و صدف را استحصال می‌کند، لکن ارزش این مروارید به طور مثال یک میلیون و پانصد هزار تومان است، در اینجا آنچه که به عنوان فائده و غنیمت برای مستخرج باقی مانده پانصد هزار تومان است. اگر ما هزینه‌های استخراج را لحاظ نکنیم، باید بگوییم این شخص یک میلیون و پانصد هزار تومان فائده و غنیمت نصیبش شده است. ولی آیا واقعاً قبل از آنکه هزینه‌های استخراج کم بشود و آیا بدون لحاظ آن هزینه‌ها می‌توانیم بگوییم این شخص یک میلیون و پانصد هزار تومان فایده و غنیمت عائدش شده است؟ پس صدق غنیمت و فائده بدون انکسار هزینه‌های استخراج نیست، اصلاً فائده و غنیمت در صورتی صدق می‌کند که این هزینه‌ها کسر شود، لذا آیه خمس که دلالت بر تعلق خمس به هر غنیمت و فائده‌ای می‌کند، فائده و غنیمت در جایی است که آن هزینه‌ها را کسر کنیم و بدون کسر آن هزینه‌ها اساساً عنوان «ما غنمتم» صدق نمی‌کند. یا مثلاً در جایی که کسی یک میلیون تومان هزینه کرده ولی ارزش آنچه که بدست آورده هم یک میلیون تومان است. آیا در اینجا می‌توان گفت که این شخص فائده و غنیمتی نصیبش شده است؟ مشکل‌تر از اینجا جایی است که شخص یک میلیون تومان هزینه کند ولی ارزش آن چیزی که بدست آورده پانصد هزار تومان باشد، اینجا آیا اصلاً می‌توانیم بگوییم این شخص این مقدار فائده برده است؟ این نه تنها اغتنام و استفاده‌ای برایش محقق نشده بلکه خسارت هم متوجه او شده است.

پس با توجه به این که برای تعلق خمس صدق عنوان فائده و غنیمت لازم است و صدق فائده زمانی است که این هزینه‌ها کسر شود، می‌توان گفت آیه خمس دلالت بر وجوب خمس بعد از کسر هزینه‌های استخراج می‌کند.

ما سابقاً در بحث از اصل وجوب خمس روایاتی را ذکر کردیم از جمله این روایت که « لیس الخمس إلا فی الغنائم خاصة^۱»، این روایات بعضی هم صحیحه بودند. آنجا گفتیم که منظور از این روایت قطعاً خصوص غنائم جنگی نیست، بلکه مطلق غنیمت و فائده است و شامل همه موارد می‌شود، بلکه در بعضی از روایات که عنوان غنیمت در کنار سایر عناوین ذکر شده، منظور از غنیمت خصوص غنیمت جنگی است ولی در روایاتی از این قبیل عنوان غنائم یک معنای عام دارد و شامل همه فائده‌ها می‌شود. بر این اساس خمس در جایی ثابت می‌شود که فائده و غنیمت باشد و صدق فائده و غنیمت زمانی است که شخص آن هزینه‌هایی را که بابت استخراج کرده، کسر کند.

به عبارت دیگر تناسب حکم و موضوع اقتضاء می‌کند (به همان بیانی که در آیه خمس گفتیم) در این روایات هم بعد از کسر هزینه‌های استخراج خمس واجب شود، مخصوصاً این مسئله زمانی خود را نشان می‌دهد که هزینه‌های استخراج بیشتر از ارزش آن چیزی باشد که از دریا بدست آورده است. آیا واقعاً عرف می‌پذیرد به کسی که یک میلیون تومان هزینه کرده و چیزی به ارزش پانصد هزار تومان بدست آورده، بگوییم «اغتنم و استفاد»؟ قطعاً عرف این را نمی‌پذیرد؛ پس اگر به عرف مراجعه کنیم، عرف وقتی وجوب خمس را با موضوع فائده و غنیمت با هم می‌سنجد، به ذهنش می‌آید که باید فائده‌ای باشد تا خمس به آن تعلق بگیرد و عنوان فائده و غنیمت بعد از کسر هزینه‌ها محقق می‌شود.

در بعضی از روایات وارد شده «الخمس بعد المؤمنة»، آنجا هم یک عنوان کلی است که خمس بعد از مؤونه است، آن روایت بیشتر حمل شده بر مؤونه سنة و در بحث استثناء مؤونه سنة به آن استناد می‌شود لکن بعضی از بزرگان معتقدند که وجهی ندارد ما این مؤونه را به عنوان مؤونه سنة بگیریم، مؤونه یعنی مطلق هزینه و مخارج، حال این هم شامل مخارج استحصال و هزینه‌هایی که برای سود و فائده بردن کرده، می‌شود و هم شامل مؤونه سنة یعنی مخارج سال اهل و عیال و مخارج زندگی را در بر می‌گیرد، اگر ما این تعمیم را بپذیریم که الخمس بعد المؤمنة شامل مؤونه استخراج هم می‌شود، قهراً این روایت هم می‌تواند به عنوان دلیل ذکر شود و به آن استناد شود.

این ادله، ادله‌ای است که به خصوص در مورد غوص نیست بلکه در همه مواردی که خمس واجب است، می‌توان به آن استدلال کرد یعنی هم در باب معدن و هم در باب کنز و هم در باب غوص، قابل استناد است.

اما اگر کسی بخصوص در باب غوص به دنبال دلیل باشد و بخواهد روایتی پیدا کند که در خصوص غوص دلالت بر استثناء هزینه‌ها بکند، چنین دلیلی نداریم. لازم هم نیست در خصوص این موارد تک تک بیانی از شرع رسیده باشد که مؤونه‌های استخراج کسر می‌شود کما اینکه در سایر موارد هم نداشتیم، فقط در باب معدن یک روایت داشتیم که صحیحة زراره بود که به آن اخراج مؤونه استخراج استناد شد؛ روایت این بود: «ما عالجتہ بمالک ففیہ ما أخرج الله سبحانه منه من حجارته مصفی، الخمس»؛ آنچه که تو از مال خود خرج کرده‌ای، پس آنچه که از زمین استخراج می‌کنی از حجاره و سنگ، بصورت مصفی، ففیہ الخمس، مصفی یعنی «هو ما یبقی بعد الاخراج»، آن چیزی که بعد از اخراج آن چیزی که از

۱. من لا یحضر، ج ۲، ص ۲۱، ح ۷۴، تهذیب، ج ۴، ص ۱۲۴، ح ۳۵۹؛ استبصار، ج ۲، ص ۱۸۴؛ وسائل، ج ۹، ص ۴۸۵، باب ۲ از ابواب ما یجب فیہ الخمس، ح ۱.

مال خود هزینه کرده، باقی می‌ماند، یک احتمال دارد که کسی بگوید مصفی به معنی تصفیه و خالص کردن است، چون مثلاً طلا را وقتی از معدن خارج می‌کند با سنگ و خاک مخلوط است، ولی ظاهر روایت همین معنایی است که گفته شد، «مصفی» یعنی بعد از آنکه هزینه‌های استخراج و استحصال را کم می‌کند آنچه که باقی می‌ماند متعلق خمس است. این روایت در باب معدن وارد شده ولی در باب کنز و غوص روایت خاصی نداریم و این هم اشکالی ایجاد نمی‌کند و لطمه‌ای به مدعا نمی‌زند و لذا همان ادله برای اثبات وجوب خمس بعد از کسر هزینه‌ها کافی است.

مؤید

«و یؤیده تسالم الاصحاب»؛ مؤید این ادعا آن است که اصحاب همه این را قبول دارند و معتقد هستند خمس در همه موارد خمس یا سبعة در صورتی واجب می‌شود که هزینه‌های استخراج و استحصال کسر بشود.

«الحمد لله رب العالمین»